

الوان الحال: کلیات اشعار ابن غریب جرمغانی

شاعر سه‌زبانۀ خراسان شمالی در قرن ۱۲ ق.

جلد اول: شوق‌نامه کرمانجی

تصحیح، تحقیق و ترجمۀ

دکتر هادی بیدکی

## فهرست مطالب

مقدمه مصحح.....	۳-۶۲
۱) زندگی‌نامه ابن‌غریب.....	۶
۱-۱) نام و تخلص.....	۶
۱-۲) تولد و فوت.....	۶
۱-۳) سکونتگاه.....	۷
۱-۴) دین و مذهب.....	۸
۱-۵) خصوصیات ظاهری- اخلاقی.....	۹
۱-۶) اوضاع زندگی و زمانه.....	۱۰
۱-۷) سطح دانش و آگاهی.....	۱۴
۱-۸) معاصران.....	۲۱
۱-۹) مروری بر منابع تذکره و کتابشناسی.....	۲۸
۲) آثار ابن‌غریب.....	۳۴
چاپ‌های اشعار.....	۳۵
نسخه‌های خطی اشعار.....	۳۵
۳) ضرورت تصحیح.....	۴۰
۴) شیوه تصحیح.....	۴۴
۵) شوق‌نامه کرمانجی ابن‌غریب.....	۴۷
خلاصه شوق‌نامه.....	۴۹
۶) یادداشت: ترجمه ابیات و عبارات کرمانجی مقدمه.....	۵۲

۵۸.....	۷) علائم و اختصارات تصحیح.....
۵۹ - ۶۲.....	۸) تصویر آغاز و انجام نسخه‌های خطی.....
۶۳ - ۹۶.....	متن شوق‌نامه با الفبای نسخه‌اساس.....
۹۷ - ۱۰۶.....	اختلاف نسخه‌ها.....
۱۰۷ - ۱۴۰.....	متن شوق‌نامه با الفبای کرمانجی.....
۱۴۱ - ۱۷۸.....	ترجمه فارسی شوق‌نامه.....
۱۷۹.....	فهرست عناوین و بخش‌های شوق‌نامه.....
۱۸۳.....	منابع و مأخذ.....

## مقدمهٔ مصحح

تصحیح و چاپ آثار مکتوب ایرانی موضوعی مهم و ضروری است که تاکنون گام‌های مؤثری در این مسیر برداشته شده، اما این عنایات بیشتر متوجه ادبیات رسمی ایران و شاعران فارسی‌زبان ماست و ادبیات عامه و شاعران بومی غیر فارس کشور کمتر کانون توجه مصححان و محققان بوده‌است؛ درحالی که تصحیح و تحقیق آثار این گروه از شاعران نیز قطعاً گوشه‌ای از تاریخ ادبیات این مرز و بوم را روشن خواهد ساخت.

تصحیح و چاپ آثار مکتوب ایرانی موضوعی مهم و ضروری است که تاکنون گام‌های مؤثری در این مسیر برداشته شده، اما این عنایات بیشتر متوجه ادبیات رسمی ایران و شاعران فارسی‌زبان ماست و ادبیات عامه و شاعران بومی غیر فارس کشور کمتر کانون توجه مصححان و محققان بوده‌است؛ درحالی که تصحیح و تحقیق آثار این گروه از شاعران نیز قطعاً گوشه‌ای از تاریخ ادبیات این مرز و بوم را روشن خواهد ساخت.

شمال خراسان سکونتگاه اقوام متعددی مانند کرمانج، ترک، ترکمن و تات است که هر کدام از آنها مولد و محافظ فرهنگ و ادبیات مکتوب و شفاهی خاص خودشان هستند. بیش از چهار قرن است که قوم کرمانج در مناطق مختلف شمال خراسان سکونت دارد و از آغاز تاکنون از ادبیات شفاهی و مکتوب پرباری برخوردار است. تکلم این قوم با گویشی برگرفته از نام خود آنها تحت عنوان «کرمانجی» است که از لحاظ زبان‌شناسی یکی از گویش‌های زبان کردی است.

زبان کردی یکی از شاخه‌های کهن زبان‌های ایرانی - آریایی است که نزدیک پانزده تا بیست میلیون گُرد با آن سخن می‌گویند. گسترهٔ پراکندگی کردها در

جهان، اغلب متمرکز در بخش‌هایی از کشورهای ایران، عراق، ترکیه، سوریه و شوری است. زبان کردی گویش‌های متعددی دارد و به طور کلی، مشتمل است بر سه گویش؛ اولین و مهم‌ترین گویش کردی مربوط به گروه شمالی است که نزدیک به دوازده میلیون کرد با این گویش تکلم می‌کنند و مشتمل است بر دو گروه غربی و شرقی؛ گویش گروه غربی، به کرمانجی معروف است و در میان کردهای ترکیه و سوریه و لبنان و آذربایجان غربی و شمال خراسان رایج است و گویش گروه شرقی به بادینانی موسوم است و در میان کردهای شوری و شمال غربی عراق و موصل کاربرد دارد. دومین گروه گویش کردی مربوط به گروه مرکزی است و در شمال شرقی عراق و کردستان ایران مرسوم به سورانی معروف است. سومین گروه گویش کردی مربوط به گروه جنوبی است و از تعدادی گویش متفاوت و ناهمگون مانند کرمانشاهی، سنجایی، کلهری، لکی و... تشکیل شده‌است (بلو، ۱۳۸۷: ۲/۵۵۴-۵۴۱).

در چند دهه اخیر بخشی از ادبیات شفاهی و عامه کرمانجی خراسان، خصوصاً قالب شعری سه‌خشتی به اهتمام علاقه‌مندان آن گردآوری و منتشر شده‌است، اما هنوز اطلاع دقیق و جامعی از متون مکتوب این منطقه به دست نیامده‌است. گویا جزوی از ذات شاعران و نویسندگان بومی و عامه کشورمان شده‌است که نام و آثارشان یا به مرور زمان از بین برود و یا تک‌نسخه آثارشان پس از گذشت چندین سال متمادی سر از کتابخانه‌ها درآورد، به طوری که ادبیات کرمانجی خراسان نیز از این قاعده مستثنی نیست، زیرا ابن‌غریب جرمغانی یکی از این شاعران گمنام و بومی شمال خراسان است که هیچ‌کدام از مورخان، تذکره‌نویسان و فهرست‌نویسان به معرفی او و احوال و آثارش نپرداخته‌اند. او از سرایندهگان قرن ۱۲ ق. است که اکنون نسخه کامل اشعارش پس از گذشت نزدیک به دو و نیم قرن، شناسایی شده و با مقدمه و تعلیقات لازم منتشر گردیده‌است.

ابن‌غریب تاکنون یکی از قدیمی‌ترین شاعران شمال خراسان است که اشعار متعددی را در موضوعات و قالب‌های شعری متنوع به سه زبان کرمانجی، فارسی و

ترکی به نظم درآورده و امید است که آثار دیگر شاعران گمنام این منطقه نیز در آینده‌ای نه چندان دور شناسایی و منتشر شود؛ این مهم تحقق پیدا نخواهد کرد مگر اینکه نسخه‌داران این مرز و بوم از انحصارطلبی نسخه‌های خطی خود دست بردارند و آنها را در اختیار مصححان و محققان قرار دهند.

### ۱) زندگی‌نامه ابن غریب

اطلاعات مربوط به زندگی‌نامه ابن غریب بسیار اندک و منحصر به مطالبی است که خود در ضمن کلیات اشعارش به آن اشاره کرده‌است.

#### ۱-۱) نام و تخلص

نام ابن غریب مانند بسیاری از شاعران گمنام دقیقاً معلوم نیست، اما او خود را بارها در اشعارش با تخلص شعری «ابن غریب»، «غریبی»، «غریب» و «ابن غریبی» شناسانده‌است (ابن غریب جرمغانی «الف»، ۱۱۸۰ ق. گ. ۵۹، ۳۵، ۵۴، ۱۰۵ (ر):

- گو این غریب لآبالی پپر که گنه کرم هوایی<sup>۱</sup>

\*\*\*

- ای بیخبران تا کی باشید به خود ناظر

دردی است غریبی را کان را نبود آخر

- رابور غریب مسکین ژه قال و قیل دُنبه

دستی خوه رند بکشین جاییل ننی تو کالی<sup>۲</sup>

- داغ عشقت بر دل ابن غریبی روشن است

پرتوش را نیست آسیبی ز باد و خاک و آب

این شاعر گمنام در اشعار خود بیشتر از تخلص «ابن غریب» استفاده کرده و حتی این تخلص را در عنوان دیوان اشعار (همان، گ. ۹۸) و منظومه شوق‌نامه (همان، گ. ۵۹) و بعضی از بخش‌های آن به کار برده‌است (همان، گ. ۵۹، ۶۴، ۶۹، ۷۶، ۸۹، ۸۲ (ر)).

#### ۱-۲) تولد و فوت

دقیقاً معلوم نیست که ابن غریب در چه سالی به دنیا آمده و در چه تاریخی درگذشته‌است، اما او از یک‌سو، در یکی از ابیات مخمس کرمانجی اشاره کرده که عمرش از شصت سالگی گذشته‌است (ابن غریب جرمغانی «الف»، ۱۱۸۰ ق. گ.

: (۹۱)

عُمَرِ مِه رَابُورْت زَه پَنجَه وَ شَصْت سَاقِي يَدَه مِي تَا اَز بِييم مَسْت<sup>۳</sup>  
از دیگرسو، در بیت پایانی ساقی نامه کرمانجی تاریخ سرودن آن را در سال  
۱۱۸۰ ق. ذکر کرده است (همان، گ. ۵۸ پ):

أَلُو وَي كَلَامِي كِه اِنْشَاد بُو زَه هَجَرْت صَد وَ اَلِفِ هَشْتَاد بُو<sup>۴</sup>

بنابراین، ابن غریب در زمان سرودن مخمس کرمانجی بیش از ۶۰ سال سن داشته و تا سال ۱۱۸۰ ق. نیز در قید حیات بوده و ظاهراً پس از این تاریخ فوت کرده است. حال، اگر ۶۰ را از ۱۱۸۰ کم کنیم، تاریخ تقریبی تولد او، یعنی سال ۱۱۲۰ ق. به دست خواهد آمد. به طور کلی، تولد و فوت ابن غریب به ترتیب در ۲۰ سال اول و آخر قرن ۱۲ ق. رخ داده و او توانسته است حکومت سه سلسله صفوی (حک. ۱۱۴۸-۹۰۷ ق.)، افشاری (حک. ۱۲۱۰-۱۱۴۸ ق.) و زندی (حک. ۱۲۰۹-۱۱۶۳ ق.) را درک کند (لین پول، ۱۳۶۳: ۲۳۲-۲۳۱).

### ۱-۳) سکونتگاه

دقیقاً معلوم نیست که ابن غریب در کجا متولد و فوت شده است، اما او سکونتگاهش را در یکی از ابیات ساقی نامه کرمانجی «جرمغان» معرفی کرده (ابن غریب جرمغانی «الف»، ۱۱۸۰ ق. گ. ۵۸) و چه بسا در همانجا نیز به دنیا آمده و درگذشته باشد:

نِکَا گِشْتِ خَلِکِي بَه کَار وَ بَه بَار لَه وَي جَرْمَغَانَا اَزِيم خَوَار وَ زَار<sup>۵</sup>

جرمغان در منابع تاریخی و جغرافیایی با تبدیل «ج» به «چ» و «غ» به «ق»، «ک» و «گ» ثبت است و مؤلف حدود العالم (۱۳۵۲: ۳۲، ۵۶) موقعیت جغرافیایی آن را یک بار مابین آستو (قوچان کنونی) و گرگان و بار دیگر بین سبراین (اسفراین کنونی) و سبنگان (سملغان کنونی) توصیف کرده است. جرمغان همان مکانی است که امیر نوروز در سال ۶۸۹ ق. از رادکان به آنجا آمد و چند بار غازان خان را شکست داد و به استرآباد پس راند (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۱۳/۳). ظاهراً جرمغان بعد از این جنگ و نبردهاست که ویران شده است، همان طور که بعضی از مورخان نیز

## (۲) آثار ابن غریب

از ابن غریب کلیات اشعاری باقی مانده که خود در یکی از غزلیات کرمانجی به اشاره کرده است (ابن غریب جرمغانی «الف»، ز. ۱۱۸۰ ق. گ. ۱۰۷ پ):

چَرَه میخانَه بُو اُو چَرَه ساقی کِه غوغایک لَه دیوانی مین ایخست<sup>۴۶</sup>

این دیوان طبق گفته شاعر یا کاتب آن الوان الحال نام دارد: «دیوان ابن غریب شوریده حال که مسمی به الوان الحال گردیده» (همان، گ. ۹۸ پ).

ابن غریب در یکی دیگر از غزلیات کرمانجی نیز علاوه بر اشاره به دیوان اشعار، از دفتر و طومارش نیز نام برده (همان، گ. ۵۶ پ) که دقیقاً معلوم نیست که منظور از این دو عنوان همان دیوان اشعار است یا به آثار دیگرش اشاره دارد:

دَفْتَر و طُوْمار و دیوانی مه هَر سه کت لَه هُو

تو لَه مه رَحْمَک بَکَه باری کِه پَر اوراقینی<sup>۴۷</sup>

به هر حال، محتوای الوان الحال ابن غریب از لحاظ زبانی شامل سه بخش اشعار کرمانجی، فارسی و ترکی است:

- اشعار کرمانجی شامل غزل، مخمس، مستزاد و دو مثنوی با عنوان ساقی نامه و شوق نامه که در بخش بعدی مفصلاً به شوق نامه خواهیم پرداخت و بقیه اشعار کرمانجی را نیز تصحیح و جداگانه آماده چاپ کرده و در مقدمه آن درباره این مجموعه اشعار توضیحات بیشتری داده ایم.

- اشعار فارسی مشتمل بر غزل، مخمس، رباعی، ترکیب بند، ترجیع بند و دو مثنوی که موضوع آنها به ترتیب درباره شکیات نماز و توصیف سرابای معشوق است. متن اشعار فارسی را نیز تصحیح و جداگانه آماده چاپ کرده و در مقدمه آن درباره این مجموعه اشعار توضیحات بیشتری داده ایم.

- اشعار ترکی نیز حاوی غزل، مخمس و یک مثنوی دینی. متن اشعار ترکی نیز اکنون در دست تصحیح و آماده سازی است و در مقدمه آن درباره این مجموعه اشعار توضیحات بیشتری خواهیم داد.

ناگفته نماند که تمام اشعار کرمانجی، فارسی و ترکی ابن غریب را از لحاظ

### ۳) ضرورت تصحیح

به احتمال قریب به یقین، مخاطبان نیز بر این باورند که نخستین کسی توانست برای اولین بار میراث مکتوب کرمانجی شمال خراسان را به چاپ برساند و دیگران را از وجود آن خبردار کند، کلیم‌الله توحیدی است. او با انتشار دیوان جعفرقلی زنگلی در سال ۱۳۶۹ ش. تغییر و تحول مهمی را در تاریخ ادبیات مکتوب کرمانجی رقم زد. تا دهه ۹۰ از میراث مکتوب کرمانجی این مرز و بوم تنها همین دیوان منتشر و در دسترس مخاطبان بود و توحیدی توانست پیشینه ادبیات مکتوب کرمانجی را تا اواسط قرن ۱۳ ق، یعنی دوران زندگی جعفرقلی در بین سال‌های تقریبی ۱۳۱۵-۱۲۲۰ ق. به عقب ببرد (توحیدی، ۱۳۸۱: ۵۷).

توحیدی تغییر و تحول مهم دیگری نیز در تاریخ ادبیات مکتوب کرمانجی شمال خراسان رقم زد و آن زمانی بود که در سال ۱۳۹۲ ش. بخشی از شوق‌نامه ابن‌غریب را بر اساس نسخه علی‌رحمتی در ۲۸ صفحه اول کتاب هزار و یک شب کرمانج: فلسفه شعر و موسیقی کرمانج خراسان به چاپ رساند و با این کار پیشینه ادبیات مکتوب کرمانجی را یک قرن دیگر عقب‌تر برد.

اهمیت چاپ اشعار ابن‌غریب توسط توحیدی چه در آن زمان و چه اکنون امری آشکار است، اما وقتی که ما چند سال پیش به تصویر نسخه امرالله صفری، یعنی نسخه اساس تصحیح حاضر دست یافتیم، ضرورت تصحیح انتقادی اشعار ابن‌غریب را بیشتر و بیشتر دریافتیم، زیرا این نسخه، هم از لحاظ حجم قابل توجه و مشتمل بر اشعار فارسی، کرمانجی و ترکی این‌غریب است و هم با تصحیح و انتشار آن یکی دیگر از میراث فرهنگی - ادبی این مرز و بوم إحیا خواهد شد.

البته، نسخه اساس علاوه بر حجم قابل توجه خود، خصوصیات بااهمیت دیگری نیز دارد. از یک‌سو، این نسخه اگرچه تاریخ کتابت ندارد، اما احتمالاً در دوران حیات ابن‌غریب یا با فاصله اندکی پس از او کتابت شده است، زیرا مشخصات ظاهری نسخه نشانگر کتابت آن در اواخر قرن ۱۲ ق. تا اوایل قرن ۱۳ ق. است، همان‌طور که دو استاد برجسته نسخه‌شناس پاکستانی و ایرانی، یعنی آقایان دکتر

آمده، تصحیح کردیم تا اثری شبیه یا نزدیک به متن شاعر ارائه شود.

زبان ابن غریب متعلق به دو و نیم تا سه قرن پیش است؛ بنابراین، بعد از اینکه متن کلیات اشعار را رونویسی، مقابله و تصحیح کردیم، ابیات کرمانجی را به فارسی برگرداندیم تا هم فهم و درک آنها برای مخاطبان کرمانج زبان آسان شود و هم مخاطبان فارس زبان نیز بتوانند از محتوای اشعار کرمانجی ابن غریب بهره‌مند گردند. البته، در ترجمه ابیات کرمانجی سعی کردیم که ترجمه‌ای وفادار و پایبند به متن ارائه کنیم؛ بنابراین، توضیحات اضافه از سوی خود را در داخل کروشه ذکر کردیم. البته، چندمعنایی و چندمفهومی جزئی از ذات شعر است و این موضوع درباره شعر ابن غریب هم صادق است؛ بنابراین، امکان دارد مخاطبان برگردان ما از بعضی از ابیات ابن غریب را نپذیرند و ترجمه دیگری ارائه دهند.

لازم به ذکر است که ما متن اشعار و اختلاف نسخه‌ها را با الفبای فارسی کنونی حروف چینی کردیم، زیرا کاتب نسخه اساس نیز اشعار ابن غریب را با استفاده از همین الفبا کتابت کرده و در واقع، قصد ما نیز این بود تا صورت نوشتاری نسخه اساس حفظ شود. البته، اهل زبان در سده اخیر برای دو زبان کرمانجی و ترکی دو نوع الفبای خاص تنظیم و مرسوم کرده‌اند که یکی برگرفته از الفبای فارسی-عربی است و دیگری با استفاده از حروف لاتین ساخته شده است؛ بنابراین، کل متن کرمانجی را با الفبای فارسی-عربی گویش کرمانجی بازنویسی کردیم و آن را بلافاصله بعد از متن مطابق با الفبای اصل نسخه درج کردیم تا دیگر مخاطبان اشعار ابن غریب نیز بتوانند در داخل و خارج از مرزهای کشورمان از محتویات کلیات اشعار او آگاهی یابند.

رُسوَا زَه قَبِيلَه كِر چو مَجْنُون شُونَا مِه كِرَه لَه چول و هامُون  
 پَس اَز شَوَكِي زَه اِشْتِيَاقِي رَانَاذَكْتِيْم رُ دَسْت فِرَاقِي  
 مُونِس لَه مِه پَر هَوَال كِيْم بُو مَحْرَم لَه مِه كَاغَد و قَلَم بُو  
 شَوَقِي پِيچِيَابُو لَه خِيَالِي دُورِي لَه مِه گِرْتَبُو مَلَالِي<sup>۴۸</sup>

از دیگرسو، ابن غریب در چند بیت پایانی شوق‌نامه نیز (۸۳ر) صریحاً بیان کرده که هدف و منظور او از سرودن این منظومه، آفرینش معشوقی با استفاده از فن شعر و نوشتار بوده‌است تا هر که در آینده اثرش را بخواند برای او در درگاه الهی طلب رحمت کند:

مَنْظُورِ مِه بُو كِه اَز زَه خَطَّان مَحْبُوبِكِي چِي بِكِم زَه گَپَّان  
 تَا هَر كِه بِهَبِينِي اَقْرِين كِه رَحْمَت لَه مِه هَر دَمِي قَرِين كِه<sup>۴۹</sup>

### خلاصه شوق‌نامه

ابن غریب در آغاز شوق‌نامه به تأثیر عشق در آفرینش اجزای جهان هستی و خردادهای آن می‌پردازد، سپس در مناجات با خدا او را آفریننده و دانای تمام امور می‌داند و پس از اقرار به گناهان خود، خواستار بخشش خداوند و شفاعت پنج تن اهل عبا در روز قیامت می‌شود. بعد از این دیباچه، ساقی و مطرب را خطاب قرار می‌دهد و به توصیف انواع مقامات موسیقی می‌پردازد، سپس در برابر نظام آسمان و ستارگان آن اظهار شگفتی می‌کند، اما همه این امور را ناشی از وجود عشق می‌داند، عشقی که باعث پریشانی سنبل، سوختن پروانه، داغ لاله و آوازخوانی بلبل شده‌است.

ابن غریب پس از ذکر این مقدمات، در آغاز داستان شوق‌نامه به ماجرای عشقی دیرینه اشاره می‌کند و با دیدن قرص ماه، او را مانند خود عاشقی زار و نالان می‌داند، سپس درد دلش را برای ماه بازگو می‌کند و سفارش می‌کند تا پیغام او را که سرشار از تمنای دیدار و وصال است، به معشوق برساند. در این میان، ماه پیغام عاشق را به معشوق می‌رساند، اما معشوق از روی عصبانیت، او را بسیار شماتت و مسخره می‌کند. در ادامه، وقتی خورشید طلوع می‌کند، معشوق او را می‌ستاید و در

جواب پیغام عاشق، او را مأمور می‌کند تا پیغام پر از سرزنش و توبیخی را به عاشق برساند. خورشید پیغام معشوق را به عاشق می‌رساند و از او می‌خواهد تا ترک عاشقی کند، اما عاشق به سخنان دلش‌گوش می‌کند و کماکان پایبند معشوق می‌ماند.

صبح که فرا می‌رسد، عاشق باد صبا را ستایش می‌کند و از او می‌خواهد تا پیغامی مانند پیام قبلی به معشوق برساند، اما برخورد و سخنان معشوق با باد صبا مانند ماه پر از عصبانیت و شماتت است. بعد از این، خورشید غروب می‌کند و معشوق با باد شمال درد دل می‌کند و او را می‌ستاید. در ادامه، معشوق از باد شمال می‌خواهد که پیغامی مانند پیام قبلی، اما با لحنی نرم‌تر به عاشق برساند، بلکه عاشق از این عشق دست بکشد. باد شمال پیغام معشوق را به عاشق می‌رساند و عاشق پس از شنیدن پیغام، به این فکر می‌افتد که معشوق دیگری برگزیند تا از غم و رنج این عشق خلاص شود، اما پایبندی به عشق او را از این کار بر حذر می‌دارد و پیشنهاد می‌کند پیغام دیگری برای معشوق ارسال کند.

در ادامه، اوضاع روحی عاشق وخیم می‌شود، بنابراین طبیعی برای درمان او حاضر می‌شود و صبر کردن را به عنوان دوی درد عاشق تجویز می‌کند، غافل از اینکه صبر است که احوال عاشق را بد و بدتر کرده‌است. بنابراین، عاشق تصمیم می‌گیرد قاصد دیگری بیابد که پیغامش را به معشوق برساند و انتخاب او این بار شانه‌است، بنابراین وقتی که پیغام خود را برای شانه بازگو می‌کند، او را راهی نزد معشوق می‌کند، اما برخورد و سخنان معشوق با شانه همچنان با عصبانیت و سرزنش همراه است.

سحر که فرا می‌رسد، معشوق آینه را برمی‌دارد و با او درد دل می‌کند و او را می‌ستاید. معشوق از آینه می‌خواهد که پیغامش را به عاشق برساند، پیغامی که او را از ادامه‌ی عاشقی بر حذر داشته‌است. وقتی آینه نزد عاشق می‌رسد، او را به دیدار و وصال معشوق امیدوار می‌کند و آن را منوط به پرهیز از طمع و هوس می‌داند. در ادامه، عاشق با دیدن شمع او را ستایش می‌کند و از او می‌خواهد که پیغامش را طبق روال گذشته به معشوق برساند، اما برخورد معشوق با شمع نیز سرشار از

خشمگینی و توییح است. در این میان، معشوق پروانه را برای رساندن پیغام به عاشق برمی‌گزیند و پیامی برای او ارسال می‌کند که با امید و سفارش به صبر همراه است. عاشق با شنیدن این پیغام از شادمانی بیهوش می‌شود، سپس به سیاحت باغ می‌رود و با دیدن گل به یاد معشوق می‌افتد و از گل می‌خواهد تا پیغام او را به معشوق برساند، اما سخنان معشوق با گل نیز مانند برخورد او با ماه و دیگر قاصدان قبلی است.

قاصد بعدی معشوق بلبل است، بنابراین نخست او را می‌ستاید و از او می‌خواهد تا پیغامش را نزد عاشق برساند، پیغامی که در اصل وعده دیدار و وصال بعد از تحمل رنج دوری است. بلبل پیغام معشوق را به عاشق می‌رساند و از او می‌خواهد که از روی شادمانی به سیاحت باغ و بوستان برود، اما عاشق دیدار و وصال معشوق را به گشت و گذار ترجیح می‌دهد. داستان شوق‌نامه در اینجا به پایان می‌رسد و ابن‌غریب در بخش پایانی این منظومه به نقد و توصیف زبان کرمانجی، ترکی، تاتی و عربی می‌پردازد، سپس با بیانی ادبی به اوضاع خود در ایام کهن‌سالی اشاره می‌کند.

### شوق نامه ابن غریب

- ۱ صانع چو به صنع ابتدا کیر لوح و قلمی اول بنا کیر
- ۲ شوقا ازلی قلم هلانی ترتیبِ خَطان زه خال دانی
- ۳ بژنا اَلفی له شون نویسی پر نُکتَه له کاف و نون نویسی
- ۴ عشقا چریا و وار چی کیر هفت شکل له نه حصار چی کیر
- ۵ انی زه عدَم له هر دیاران لعلی زه کور و گل زه خاران
- ۶ آدم که نبو وها عیان کیر آری له خلیل گُلستان کیر
- ۷ آرام ندا له هیو و تاوی بر صبر و قرار اَدن زه آوی
- ۸ بلبل زه خوَه بر اَدین به گلزار پروانه له شمع کیر گرفتار
- ۹ شیطین قوتاند بو چو عاصی کیر لعنتی و ندا خلاصی
- ۱۰ عالم که ته دی به وی مداری کیر هیچ زه هیچ آشکاری
- ۱۱ چرخ فلکی وها مَهیا کیر هر چه کایی که غیر الا

### در مناجات قاضی الحاجات گوید

- ۱۲ یا صانع خلک و گل اشیا عالم زه ته اوضَح و هویدا
- ۱۳ صُوژنگر عقل و رُوَح [و] ادراک صاحب رَقمی تویی له افلاک
- ۱۴ تو خالِق و رازِ وا جَهانی تو صانع و مالِکا مکانی [ر-۵۹]
- ۱۵ آدم که زه قُدرتا ته چی بو عقیلی زه ته زهَنَمون ری بو
- ۱۶ آگاه تویی زه هر حکایات یا عالمِ سِرِّ و الخَفیات
- ۱۷ سِرِّ اول خاص و عام زانی آرایش هر کلام زانی

### شوق نامه ابن عرب

- ۱ سانیع چو ب سونع ئبتدا کَر لوه و قهلمی ئه قهل بهنا کَر
- ۲ شوقا ئه زهلی قهلم هلانی ئه رتیئی خه ئان ژه خال دانی
- ۳ به ژنا ئه لفی له شوون نفیسی پر نوکته له کاف و نوون نفیسی
- ۴ عشقا چرییا و قار چئی کَر هفت شکل له نوه هسار چئی کَر
- ۵ ئانی ژه عهدهم له ههر دیاران له علی ژه کیشور و گول ژه خاران
- ۶ ئادم ک نه بوو قها عه یان کَر ئاری له خلیل گولستان کَر
- ۷ ئارام نه دا له هیف و ئاقئی بر سهبر و قهرار ئه دن ژه ئاقئی
- ۸ بولبول ژه خوه بر ئه دن ب گولزار په روانه له شه مع کَر گرفتار
- ۹ شیتین قه وتاند بوو چو عاسی کَر له عنه تی و نه دا خه لاسی
- ۱۰ عالم ک ته دی ب قی مه داری کَر هیچ ژه هیچ ئاشکاری
- ۱۱ چه رخی فه له کئی قها موهه ییا کَر هه ر چ کای ک غیر ئه لالا

### در مناجات قاضی الحاجات گوید

- ۱۲ یا سانیعی خه لک و کوللی ئه شیا عالم ژه ته ئه وزه ه و هو فییدا
- ۱۳ سووره تگه ری عه قل و رووه و ئدراک ساهبره قه می ئوبی له ئه فلاک
- ۱۴ ئو خالق و رازی قا جه هانی ئو سانیع و مالکا مه کانی
- ۱۵ ئادم ک ژه قودره تا ته چئی بوو عه قلی ژه ته ره هنه موونئی ری بوو
- ۱۶ ئاگاه ئوبی ژه هه ر هکایات یا عالمی سرری قه لخه فیات
- ۱۷ سرر ئه قه لی خاس و عام زانی ئارایشی هه ر که لام زانی
- ۱۸ هالی م له ته نه ا عه یانه باری گونه هی له م گرانه

## ترجمه فارسی

۱- آفریدگار وقتی شروع به آفرینش کرد، نخست لوح و قلم را ایجاد کرد // لوح در اصطلاح تصوف همان لوح محفوظ است که در ورای آسمان هفتم قرار دارد و خداوند هر آنچه هست و باید تا روز قیامت باشد را در آن نوشته است (تهانوی، ۱۹۹۶: ۲ / ۱۳۴۰). بعضی از صوفیه معتقدند که منظور از قلم، نفس کلی است و برخی دیگر آن را همان لوح و یا جزوی از آن دانسته‌اند (همان: ۲ / ۱۴۱۷-۱۴۱۵). نفس کلی یا نفس اول و یا عقل اول در نزد صوفیه مظهر تعینات است و مولوی نیز به آن اشاره کرده است (گوهرین، ۱۳۸۱: ۹ / ۱۲۱).

۲- شوق ازلی [خداوند] قلم [آفرینش] را برداشت و برای نگارش خطوط [و مظاهر هستی]، اولویت را به [آفرینش] خالی [یار] داد // مصراع اول اشاره دارد به حدیث مشهور «كنتُ كنزاً مخفياً فأحبتُ أن أعرفَ فخلقتُ الخلقَ لكي أعرفَ» [من خداوند گنج پنهانی بودم، دوست داشتم آشکار شوم، پس خلق را آفریدم تا شناخته شوم] که بسیاری از صوفیه به آن استناد جسته‌اند. ظاهراً منظور از مصراع دوم این است که خداوند قبل از آفرینش هر مخلوقی، نخست خال یار را که مظهر زیبایی است، آفرید. خال در اصطلاح تصوف معانی بسیاری دارد، برای آگاهی بیشتر ← همان: ۴۳ / ۵-۴۱.

۳- قامت الف را در جای خودش نوشت و نکات فراوانی را در کاف و نون [کُن] نوشت // الف یکی از حروف متشابه در میان صوفیان است که اشاره دارد به ذات احدیت مطلقه خداوند که پیش از همه و از ازل وجود داشته و بدون تقید و تعین است (همان: ۲۱ / ۱-۱۹). مصراع دوم اشاره دارد به عبارت مشهور قرآنی «كُن فَيَكُونُ» که در آیات بسیاری مذکور است و هنگام امر به آفرینش چیزی از سوی

## فهرست عناوین و بخش‌های شوق‌نامه<sup>۱</sup>

شوق‌نامهٔ ابن‌غریب.....	۱۰۷ / ۶۳
در مناجات قاضی‌الحاجات گوید.....	۱۰۷ / ۶۳
در سبب شوق‌نامهٔ ابن‌غریب.....	۱۰۸ / ۶۴
آغاز داستان شوق‌نامه و مکافات با ماه و فرستادن ماه را به نزد.....	۱۰۹ / ۶۵
در آغاز سخن گوید.....	۱۱۱ / ۶۷
غزل.....	۱۱۱ / ۶۷
إختتام غزل.....	۱۱۲ / ۶۸
إختتام سخن.....	۱۱۲ / ۶۸
مقالات معشوق با آفتاب و فرستادن خورشید عالم‌تاب را به نزد.....	۱۱۳ / ۶۹
سخن گوید.....	۱۱۴ / ۷۰
غزل.....	۱۱۵ / ۷۱
إختتام غزل ابن‌غریب.....	۱۱۵ / ۷۱
در إختتام سخن گوید.....	۱۱۵ / ۷۱
مکالمات عاشق با باد صبا و فرستادن او را به نزد معشوق پرجفا.....	۱۱۶ / ۷۲
سخن گوید.....	۱۱۷ / ۷۳
غزل.....	۱۱۸ / ۷۴
إختتام غزل.....	۱۱۸ / ۷۴
إختتام سخن.....	۱۱۸ / ۷۵

---

۱- اعداد روبه‌روی هر عنوان به ترتیب شمارهٔ صفحات بخش متن اصلی شوق‌نامه و بخش بازنویسی آن با الفبای کرمانجی است.